

عوامل مؤثر بر رفتار وندالیستی در میان دانش آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان اهواز (مطالعه‌ی موردی؛ منطقه‌ی کوت عبدالله)

دکتر سید عبدالحسین نبوی^۱، سهام سالمیان^۲، بهار حبیبیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

وندالیسم یا تخریب عمومی، یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتار انسانی است که نتیجه‌ی عوامل و شرایط مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی است. هدف از این پژوهش، شناسایی و تعیین برخی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه منطقه‌ی کوت عبدالله شهر اهواز است. در این زمینه با توجه به نظریات مطرح شده، رابطه‌ی جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، موفقیت تحصیلی، متغیرهای درون فردی (شامل احساس محرومیت نسبی، تبعیض، عزت نفس، خوشتنداری)، و پیوند اجتماعی (خانه، مدرسه، دوستان) با بروز رفتارهای وندالیستی بررسی گردید. روش تحقیق پیمایشی بوده و جهت انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ دانش آموز انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه بوده و با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون چند متغیره به بررسی فرضیات پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد به جز جنسیت، میان تمام متغیرهای ذکر شده با وندالیسم رابطه وجود دارد. مقدار R یا همبستگی میان مقادیری که به وسیله معادله پیش‌بینی می‌شوند معادل ۰/۷۱۱ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به این که مدل پژوهش، توانسته است با استفاده از متغیرهای مستقل تعریف شده ۵۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند، می‌توان گفت از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار بوده است.

واژه‌های کلیدی: وندالیسم، رفتار وندالیستی، انحراف اجتماعی، بزه‌کاری، اهواز، کوت عبدالله

مقدمه و بیان مسأله

وندالیسم یا تخریب عمومی، نمونه‌ای از کجروی و یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتار انسانی است. درباره‌ی این که وندالیسم چیست و چه چیزهایی

^۱ - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، (نویسنده مسؤل)

s.abdolhoseinnabavi@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور sahamsalemian@gmail.com

^۳ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران bahar.habibian@gmail.com

وندالیسم نیست، به سادگی نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد (هاسکل و یبلونسکی^۱، ۱۹۷۴: ۲۷۲). مارشال ب. کلینارد وندالیسم را تخریب ارادی متعلقات عمومی می‌داند که به صورت مکرر صورت می‌گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۴) و گلدستین آن را «تخریب ارادی، عمدی و آگاهانه‌ی محیط پیرامون از سوی افرادی می‌داند که هیچ انگیزه و هدف سودجویانه‌ی ندارند و هدف این گونه افراد نوعی آسیب و ضرر رساندن به اموال و متعلقات عمومی شمرده می‌شود که به قصد مخالفت با هنجار و قوانینی صورت می‌گیرد که دولت وضع کرده است» (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴: ۵).

واکنش نسبت به تخریب اموال عمومی براساس اوضاع و شرایط مختلف اجتماعی ممکن است متفاوت باشد. در برخی گروه‌ها معمولی‌ترین شیوه‌ی تخریب اموال که همانا شعار نوشتن روی دیوار است مورد قبول و پذیرش قرار می‌گیرد، یا این‌که نادیده گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، کسی که مرتکب چنین عملی می‌شود از طرف گروه مورد مؤاخذه و بازخواست قرار نمی‌گیرد. برخی محققان در انگلستان و آمریکا از معانی و انگیزه‌های متفاوتی در خلق اشکال متنوع وندالیسم سخن می‌گویند (همان).

وندالیسم از جمله کجروی‌های جامعه جدید است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، رشد آنومی و تمایلات روزافزون انسان و ناکامی وی در رسیدن به این تمایلات است و احساس از خود بیگانگی، اجحاف، خشم و تنفیری که آن‌ها نسبت به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده‌ی ضعف و اختلال هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است. وندالیسم از جمله جرایمی است که کم‌تر مجازات حقوقی و کیفری در بر داشته است. هنجارشکنی که ضمن ایجاد خسارت‌هایی برای دولت، مبین مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه آتی است. با توجه به وضعیّت جمعیت ایران که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور از

^۱ - Haskell & Yablonsky

جمله‌کشورهایی است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، از جمله پدیده‌ی وندالیسم است که بیش‌تر وندال‌ها نیز جوانان هستند (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴: ۳).

رفتارهای وندالیستی در گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد که یکی از نمونه‌های قابل توجه آن رفتارهای وندالیستی نوجوانان است. اهمیت مطالعه‌ی رفتارهای وندالیستی گروه سنی کودک و نوجوان از آن جهت است که عوامل و ریشه‌های این رفتارها در محیط پیرامون، مانند خانه و مدرسه نهان است و رفتارها در این سنین قابل اصلاح و به‌گرد هستند؛ اما در صورت بی‌توجهی نهادینه و موجب بروز اختلالات شخصیتی می‌شود و پیامدهای آتی آن در اجتماع ظهور خواهد کرد.

اولین نهاد و سازمان رسمی که کودک با آن در دوره‌ی زندگی‌اش برخورد می‌کند مدرسه است. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسماً از سوی جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه‌ی مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی شده است. ناتوانی نظام ارزشی در درونی کردن نظام ارزشی و هنجارهای جامعه، باعث می‌شود جامعه‌پذیری فرد به سوی هنجارشکنی و بی‌ارزشی نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند سوق داده شود. القای ارزش‌ها و هنجارهای مطرود جامعه از سوی آموزگاران ناهم‌نوا، فراهم کردن زمینه‌ی عضویت دانش‌آموز در گروه‌های ناهم‌نوا به ویژه گروه بزرگسالان در این محیط، فراهم آمدن زمینه‌ی اختلالات روانی فرد بر اثر رفتارهای ناصحیح اولیای مدرسه و انگ بزه‌کار خوردن بر اثر پیش‌داوری‌های آموزگاران یا دانش‌آموزان خود باعث بروز رفتارهای تهاجمی، مانند: کنده‌کاری روی نیمکت مدارس، کشیدن گچ یا خودکار بر روی دیوار، پاره کردن تور والیبال و ... نوشتن حرف‌های رکیک و زشت بر روی در دست‌شویی‌ها و کثیف کردن دیوارتوالت‌ها و ... می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۹۴). خرابکاری‌هایی که از سوی دانش‌آموزان در ساعات آموزشی بر روی وسایل و امکانات مدرسه صورت می‌گیرد، باعث فرسوده شدن ساختمان مدارس و وسایل آموزشی می‌شود و محیط نازیبایی را به وجود می‌آورد که خود مزید بر علت می‌شود و میزان خرابکارهای دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. این

رفتارها با تأثیر منفی بر روحیه‌ی دانش آموزان، سطح آمادگی و یادگیری آنان را پایین می‌آورد و فرایند یاددهی و یادگیری را در مدارس به نحو بسیار وسیعی از حالت اصولی خارج می‌کند و به آن جنبه‌ی اجباری و گریزناپذیر می‌بخشد آثار و نتایج این رفتارهای تخریب‌گرانه نه تنها کانون خانواده را تهدید می‌کند، بلکه بر سلامت و امنیت جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

منطقه‌ی مورد مطالعه، یعنی کوت عبدالله در بخش جنوب شرقی شهر اهواز واقع شده و از الحاق ۲۰ شهرک و روستای منفصل و متصل با جمعیتی بالغ بر ۱۸۸۵۰ نفر و ۲۶۹۲ خانوار مطابق سرشماری ۱۳۹۰ (شهرداری منطقه‌ی ۵ اهواز، ۱۳۹۱) در دو طرف جاده‌ی اهواز-آبادان به صورت طولی امتداد یافته است. منطقه‌ی کوت عبدالله در گذشته شامل باغات و نخلستان‌ها و محدوده‌های روستایی بوده که با گذشت زمان و توسعه‌ی شهر اهواز به محدوده‌ی شهری الحاق شده و لذا از سازمان شهری مناسبی برخوردار نیست و در مطالعات سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرستان اهواز به عنوان یکی از مناطق ۱۷ گانه حاشیه نشین معرفی شده است (دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵). فقدان امکانات و زیرساخت‌های مناسب زندگی شهری و فقر در این منطقه به ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی دامن زده که یکی از نمونه‌های آن رفتار تخریب‌گرانه‌ی نوجوانان و جوانان است. در این منطقه بیش از ۴۳۰۰ دانش آموز در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل هستند که براساس گزارش‌های مدیران دبیرستان‌های منطقه‌ی کوت عبدالله در پایان هر سال هزینه‌ای گزاف صرف تعمیر و بازسازی صندلی‌ها و وسایلی می‌شود که از سوی دانش آموزان غیر قابل استفاده شده و در کنار کاستی‌های موجود به وضعی نابه‌سامان واحدهای آموزشی دامن می‌زنند. از این رو لازم است زمینه‌های عوامل مؤثر است بر رفتارهای وندالیستی در این منطقه مطالعه شود تا با استفاده از دستاوردهای پژوهشی، طرح‌های عملی برای برخورد مناسب با این پدیده و هم‌چنین اقدامات پیشگیرانه لازم تدبیر گردد.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی بررسی رفتارهای نندالیستی و علل مؤثر بر آن، پژوهش‌های مختلفی انجام شده که به مهم‌ترین مواردی که در گروه جوانان و نوجوانان انجام شده است اشاره می‌شود.

عفتی (۱۳۸۱) در یک طرح پژوهشی با عنوان «بررسی انگیزه‌های مؤثر بر نندالیسم میان دانش‌آموزان ۹ تا ۱۶ ساله‌ی ساکن حاشیه‌ی ریل آهن در شهر تهران (با تکیه بر سنگ پرانی به قطارهای مسافربری)» به این نتیجه رسیده است که شرایط عوامل خانوادگی و شرایط نامناسب محیطی از یک سو و ویژگی‌های فردی خود کودکان و نوجوانان از متغیرهای مرتبط با ارتکاب رفتارهای نندالیستی هستند.

احمدی و سهامی (۱۳۸۳) در پژوهش «بررسی علل و عوامل مؤثر بر نندالیسم در دبیرستان‌های شهر شیراز» رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی میان متغیرهای سطح تعلق، تعهد و دلبستگی‌های خانوادگی / مدرسه‌ای، منزلت شغلی پدر و سطح تحصیلات مادر با رفتارهای خرابکارانه از سوی دانش‌آموزان به‌دست آورده و به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت روابط خانوادگی نوجوان با رفتار خرابکارانه رابطه معنی‌داری دارد و نیز پسران بیش‌تر از دختران مرتکب رفتارهای نندالیستی می‌شوند.

محمدی بلبان آباد (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان نندالیسم و بررسی برخی از عوامل مرتبط با آن در میان دانش‌آموزان ناحیه‌ی یک متوسطه‌ی شهر سنندج» به این نتایج رسیده که میزان رفتارهای نندالیستی در میان دانش‌آموزان پسر، افراد مهاجر و دارای خانواده‌ی نابه‌سامان بیش‌تر است. متغیرهای بیگانگی اجتماعی، احساس اجحاف و بی‌عدالتی، ارتباط فرد با گروه‌های بزه‌کار، بعد خانوار و میزان مشاهده‌ی رفتارهای نندالیستی در مدرسه یا تمایل به رفتارهای نندالیستی رابطه‌ی مستقیم و مثبت، و متغیرهای وضعیت مناسب تحصیلی، میزان تعلق و پیوستگی دانش‌آموزان به خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، میزان تعلق و پیوستگی دانش

آموزان به مدرسه با تمایل به رفتارهای وندالیستی رابطه منفی و معکوسی دارند. در این تحقیق میزان رفتارهای وندالیستی برحسب پایه تحصیلی دانش آموزان تفاوت ندارد. قائمی‌فر (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه‌ی شهری جهرم» به این نتیجه رسیده است که دختران بیش‌تر از پسران گرایش به انجام وندالیستی دارند، ولی ارتکاب عمل وندالیستی در پسران بیش‌تر از دختران است؛ چون پسران آزادی بیش‌تری دارند.

دقاغله و کلهر (۱۳۸۹) در پژوهش «آسیب‌های شهری در تهران؛ وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری» بخشی را به وندالیسم اختصاص داده و ضمن توصیف شرایط رو به افزایش وندالیسم شهری، ضعف شدید آمار و اطلاعات را از جمله خلأهای جدی در بررسی این پدیده عنوان کرده و در سطوح کلان کاهش شکاف طبقاتی و رفع محرومیت را مهم‌ترین راه‌کار مقابله با آن برشمرده‌اند.

هم‌چنین فتحی و محمدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان» نتیجه گرفته‌اند که پسران بیش‌تر به رفتارهای وندالیستی دست می‌زنند و این پدیده در فرزندان خانواده‌هایی سطح پایین‌تر از نظر اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی از تسهیلات شهری، شایع‌تر است. هم‌چنین رفتارهای تخریب‌گرایانه و ویرانگر ناشی از بریدگی و عدم پیوند فرد با جامعه‌ی شهری و بیگانگی اجتماعی است.

در میان پژوهش‌های خارجی هرشفیلد^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات میزان فقر در محلات شهری بر میزان بزه‌کاری نوجوانان» نتیجه گرفته که هر مقدار میزان فقر در سطح محلات شهری بالاتر باشد میزان ارتکاب نوجوانان در این محلات به جرائم خشونت‌آمیز بیش‌تر خواهد بود و با ایجاد فرصتی برای اسکان خانواده‌های

^۱ - Hershfeild

ساکن مناطق فقیرنشین در محلاتی که دارای میزان پایین‌تری از فقر هستند می‌توان بر کاهش میزان ارتکاب نوجوان به جرائم خشونت‌آمیز شد.

مک کوری^۱ (۲۰۰۵) در یک پژوهش کیفی با نام «کنترل شخصی، جنسیت، بزه‌کاری در خانواده‌های پدرسالاری» چنین اظهار می‌دارد که تفسیرهای نوجوانان از کنترل والدینشان و واکنش‌های آنان نسبت به کنترل‌ها با بزه‌کاری جوانان ارتباط دارد. محقق عقیده دارد که بدون در نظر گرفتن جنسیت نوجوانان در خانواده‌های غیرپدرسالار احتمالاً بیش‌تر از نوجوانان خانواده‌ی پدرسالار از استراتژی شورش علنی استفاده کرده‌اند.

کاپل و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «جنسیت، قیود اجتماعی و بزه‌کاری» مقایسه‌ای میان دختران و پسران انجام دادند. آنان دریافتند که هم برای پسران و هم برای دختران، میان تعهد نسبت به آموزش و مدرسه و اعتقاد (باور) به نظام قانونی و بزه‌کاری شدید یا خشن به‌طور معنی‌داری رابطه‌ی منفی وجود دارد. وابستگی به گروه هم‌سالان فقط برای پسران با بزه‌کاری شدید به‌طور معنی‌داری رابطه‌ی منفی دارد. آنان هم‌چنین شواهدی دال بر تفاوت ساختار ارتباط میان قیود اجتماعی و بزه‌کاری شدید برای پسران و دختران یافتند.

جیلز^۲ (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «بزه‌کاری با تأکید بر خشونت، سرقت، و ندالیسم، در میان نوجوانان دبیرستان آلبرتا» با نمونه‌ی آماری ۱۸۲ نوجوان ۱۵-۱۹ سال که ۸۴ نفر دختر و ۹۸ نفر پسر هستند از طریق پرسش‌نامه پرداخته است متغیرهای کلیدی پرسش‌نامه یگانگی (هم‌دلی)، کنترل انگیزشی، تعهدات اجتماعی و رابطه‌ی آنها با خشونت، سرقت، و ندالیسم است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میان یگانگی و کنترل انگیزشی با خشونت و ندالیسم رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، اما میان تعهدات اجتماعی و سه رفتار بزه‌کاری مورد تأکید رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشده است.

^۱ - Mc.Corry

^۲ - Gillis

در بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی وندالیسم در گروه سنی جوان و نوجوان مشاهده می‌شود که این پژوهش‌ها نتایج مشابهی درخصوص تأثیر جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی، روابط خانوادگی و هم‌بستگی اجتماعی بر رفتار وندالیستی داشته‌اند؛ اما به ویژه در پژوهش‌های داخلی خلأ آمار و اطلاعات در زمینه‌ی موضوع تحقیق به روشنی مشهود است و نیز با توجه به عمق و ابعاد موضوع، پژوهش‌های کیفی اندکی در این زمینه انجام شده است. در منطقه‌ی مورد مطالعه (شهر اهواز- منطقه‌ی کوت عبدالله) نیز تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ از این رو در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از مجموعه‌ای از متغیرها، به تبیین همه‌جانبه و نسبتاً کاملی از عوامل مؤثر در رفتارهای تخریب‌گرانه دانش‌آموزان در یکی از مناطق حاشیه نشین اهواز پرداخته شود.

چارچوب نظری پژوهش

امیل دورکیم (نظریه‌ی آنومی)

یکی از مهم‌ترین تبیین‌های جامعه‌شناختی از انحرافات و کژرفتاری، نظریه‌ی آنومی^۱ است که در زبان فارسی «بی‌هنجاری» ترجمه شده است، دورکیم برای نخستین بار این اصطلاح را وارد جامعه‌شناسی کرد و بعد از او جامعه‌شناسان مختلف آن را در معانی بالنسبه متفاوت به کار بردند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۲).

بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است (کوئن، ۱۳۷۳: ۲۲۱).

هرگاه شیرازه‌ی تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار می‌شوند. دورکیم این وضعیت را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

^۱ - Anomie

به نظر دورکیم، ضعیف‌شدن روح جمعی، کج رفتاری را در پی دارد. با ضعیف‌شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سلطه‌ی آن، زمینه‌های دیگری شکل می‌گیرد که امکان کج رفتاری را پدید می‌آورد. دورکیم معتقد است اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، اقتدار اخلاقی در صورتی اعتبار خواهد داشت، که برای افرادی که درگیر فعالیت در جامعه‌ی همواره در حال تغییر و تحول هستند، با معنی باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی شوند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می‌آید. در شرایط آنومیک که بیماری جامعه‌ی مدرن است، به علت تضعیف هنجارها، زمینه‌ی مناسب کج رفتاری فراهم می‌شود. منبع اصلی کج رفتاری در انسجام ارگانیک دو بعد دارد: اول، شرایط آنومیک که در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می‌آید و شرایطی است که اخلاق اجتماعی دچار اغتشاش شده باشد؛ یعنی ارزش‌های اخلاقی با شرایط مادی جدید زندگی مطابقت نداشته باشند و روح جمعی نتواند تمایلات بشر را منظم کند. بعد دیگر آن [بعد دوم]، گسترش اهمیت فرد گرایی است که در عین حال که می‌تواند باعث پیشرفت اندیشه و خلاقیت گردد، از جانب دیگر هم تأکید زیاد بر فرد گرایی، می‌تواند باعث شکل‌گیری هنجارهایی گردد که توسعه‌ آرزوهای فردی و محدود نشده را تشویق می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۶ و ۵۷).

رابرت مرتن

پس از دورکیم رابرت مرتون جامعه‌شناس آمریکایی نظریه‌ی خود را بر پایه‌ی نظریه او تعمیم داد. به عقیده‌ی او این شرایط ساختی خاص است که علت ریشه‌ای انحرافات اجتماعی است. او به ارزش‌یابی انحراف یا جنایت علاقه‌مند نبود، بلکه درصدد بود تا ریشه‌های اجتماعی و ساختی گرایش افراد به راه‌های نامطلوب کنش توضیح دهد. در واقع، به نظر او در شرایط اجتماعی و ساختی خاص، انحراف نه تنها یک رفتار نابه‌هنجار نیست بلکه به‌هنجار است (معیدفر، ۱۳۸۵: ۳۸).

مرتون کج رفتاری را انطباق طبیعی با محیط اجتماعی خودگرای در نظر می‌گیرد و برعکس مسأله‌ی ارتباط آن را با ابعاد بیولوژیکی و فقدان کنترل اجتماعی در نظر نمی‌گیرد. او در اثر خود در این زمینه دو عنصر اصلی را مطرح کرده است. وی در ساخت فرهنگی، نخست اهداف تعریف‌شده‌ی فرهنگی را در نظر گرفته و بعد ابزار نهادی‌شده‌ی رسیدن به آن را مطرح کرده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۵).

منظور از وسایل، شیوه‌های پذیرفتنی است که ازسوی ساختار فرهنگی برای رسیدن به هدف‌ها، تعیین و تنظیم می‌شود (کوزر و روز نبرگ، ۱۳۸۷: ۴۳۲). در یک جامعه‌ی منظم اهداف و ابزار در یگانگی و تطابق به‌سر می‌برند، هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و یا ابزارهای دستیابی به اهداف قرار می‌گیرند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۵) در نهایت، هنگامی که راه‌ها یا وسایل مشروع برای دستیابی به اهداف موفقیت برای افراد جامعه محدود باشد، فشار ساختی در آن‌ها به‌وجود می‌آید (ترنر، ۱۳۷۸: ۳).

اهمیت تئوری مرتن در آن است که او توجه خود را به جنبه‌های اجتماعی کج روی معطوف کرده است، نه شالوده‌های بیولوژیکی و فردی آن. کج رفتاری‌ها در اندیشه‌ی مرتن در درون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی پدید می‌آید. یعنی جامعه از طریق شکاف و نارسایی میان اهداف مقبول خود و روش‌های مقبول رسیدن به آن اهداف فشار عظیمی را بر فرد می‌گذارد و او را به جای هم‌نوایی، وادار به کج روی می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۶).

نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده‌ی ویلیام گود^۱

ویلیام گود با کمک گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه

^۱ - Anomic and Family structure Good

نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸).

ویلیام گود^۱ معتقد است خانواده کانون و هسته‌ی اصلی تشکّل اجتماعی و به عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. به نظر وی خانواده، نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کند. به این معنا که الگوی رشد شخصیتی کودکان ابتدا در چهارچوبی از روابط با والدین شکل می‌گیرد و تأثیر این امر را می‌توان در زندگی بزرگسالی در میان نوجوانان مشاهده کرد، یعنی هنگامی که والدین طرد کننده باشند کودکان غمگین، مظنون، غیر قابل انعطاف، نامطمئن، مضطرب و درون‌گرا هستند و در صورتی که والدین نسبت به آن‌ها محبت داشته باشند فرزندان برون‌گرا، خوشحال و مطمئن خواهند داشت. به علاوه نهاد خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن به هویت یابی فرد کمک می‌کند. این نهاد هم‌چنین نقش عمده‌ای در یادگیری، تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد که می‌تواند منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به شمار آید. بنابراین هنجارها و ارزش‌های حاکم بر خانواده، بر تک‌تک افراد آن تأثیر قطعی دارد؛ از این رو شناخت سازمان، انگارهای خانواده می‌تواند به عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد، چرا که خانواده مهم‌ترین عامل پیدایش و تشکّل شخصیت فرد شمرده می‌شود به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانواده به وجود می‌آید شدت گسیختگی را در ازهم‌پاشیدگی و تلاش خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد. عواملی که منجر به فروپاشی، گسیختگی، اغتشاش، بی‌سازمانی در

^۱ - William Good

ساختار فامیلی می‌شود و شرایط آنومیک را بر خانواده تحمیل می‌کند (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۹-۲۴۸ به نقل محسنی تبریزی).

این عوامل به اعتقاد گود عبارتند از:

۱- عدم مشروعیت؛ ۲- فسخ، جدایی، طلاق و ترک؛ ۳- خانواده‌ی توخالی؛
۴- غیبت غیر ارادی یکی از دو همسر؛ ۵- عدم موفقیت در اجرای نقش‌های اساسی ناشی از نقص عضو یا بیماری.

گود رفتار وندالیستی را چون بسیاری از صور کژ رفتاری‌ها و نابه‌هنجاری‌ها را به اختلال در کارکرد و وظایف نهاد خانواده و گسیختگی در مناسبات و روابط فامیلی و بروز شرایط آنومیک در خانواده ربط داد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۹).

کوهن: پسران بزه‌کار^۱ (ناکامی منزلتی^۲)

کوهن (۱۹۵۵) با بررسی پسران بزه‌کار، نظریه‌ی خرده‌فرهنگی را با تفکیک رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزه‌کاری پسران طبقات پایین تدوین کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۲). کوهن در مطالعه‌ی جوانان در محیط طبیعی زندگی متوجه شد که جرایم آنان از سه جهت با بزرگسالان متفاوت است؛ هرچند این تفاوت‌ها، همه‌ی جرایم جوانان را شامل نمی‌شود. چنین تفاوت‌هایی عبارتند از غیر مادی بودن، توأم با کینه‌جویی و خشم و نفی هنجارهای اجتماعی. [به نظر کوهن] برای جوانان حتی اگر شیء دزدی شده، جنبه‌ی سودمندانه داشته باشد، باز هم مزه‌ی شیء دزدی شده برای آن‌ها بیش‌تر است. برای آن‌ها دزدی جدا از مسأله‌ی سود و درآمد نشانه‌ی افتخار، مردانگی و به دنبال آن کسب رضایتی عمیق است. میزان خطر و تلاشی که صرف به‌دست آوردن شیء می‌کنند، سپس آن را رها می‌کنند، یا به دور می‌افکنند، با هیچ محاسبه‌ی سودمندانه و منطقی همراه نیست (سخاوت، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۴).

^۱- Cohan

^۲- Delinquent boys

^۳- Status frustration

بنابراین، کوهن در نظریه‌ی ناکامی منزلتی خود با عنوان پسران بزه‌کار به بررسی مجدد نظریه‌ی مرتن می‌پردازد و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند. در واقع کوهن اصطلاح منزلت را جانشین موفقیت در نظریه‌ی مرتون می‌کند. یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آن‌ها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. بنابراین، طبقه‌ی محروم شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کند؛ این امر از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰). به نظر کوهن، دانش آموزانی که در خانواده‌های طبقه‌ی پایین، جامعه‌پذیر شده‌اند، به‌طور نسبی قادر به هم‌سازی با این معیارها نیستند و نمی‌توانند براساس این استانداردها با دانش آموزان طبقات اجتماعی دیگر رقابت کنند. یکی از راه‌هایی که آنان برای مشکل هم‌سازی خود انتخاب می‌کنند، رفتار بزه‌کارانه، با مشارکت دانش آموزان است که شرایط مشابهی دارند. آنان دار و دسته‌های بزه‌کار را شکل می‌دهند؛ زیرا اگر به تنهایی مرتکب رفتار انحرافی شوند، از دیگران جدا می‌افتند و موفق نخواهند شد. رفتار بزه‌کارانه در دار و دسته‌های بزه‌کار مجموعه‌ی جدیدی از هنجارها را برای اعضای این دار و دسته فراهم می‌کند، که با ارتکاب بزه‌کاری علیه مظاهر فرهنگ طبقه‌ی مازسوی، مانند تخریب اموال دولتی (شکستن کیوسک‌های تلفن و پاره‌کردن صندلی‌های اتوبوس‌های عمومی و غیره) می‌توانند برای خود منزلت اجتماعی کسب کنند. به اعتقاد کوهن، خرده فرهنگ بزه‌کار پاسخ دسته‌جمعی افرادی است، که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی دارند و برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالا و مزایای مادی که به تبع این موقعیت حاصل می‌شود، احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده فرهنگ بزه‌کار به‌طور دسته‌جمعی راه حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آن‌ها پذیرفته شده و انجام آن‌ها برایشان امکان‌پذیر است (احمدی: ۱۳۸۴: ۷۳-۷۴). بدین سان، کوهن می‌نویسد: ترساندن افراد عادی، حمله به آن‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز در میان این خرده فرهنگ نوع دیگری از سرگرمی است. کسانی که در این زمینه موفق‌تر باشند

یا شجاعت بیش‌تری نشان دهند، منزلت بیش‌تری به‌دست می‌آورند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

کوهن شش خصلت برای خرده فرهنگ‌های کج رو در نظر می‌گیرد که به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

- گرایش غیر سودمندانه^۱؛ حتی درباره‌ی دزدی، اشیا به راحتی به دیگران داده و یا اصلاً نابود می‌شود و کم‌تر مورد استفاده یا فروش قرار می‌گیرد.
- میل به خشونت و ویران‌گری.
- منفی‌گرایی^۲؛ بیش‌تر ارزش‌های معمول و پذیرفته شده به شکل معکوس مورد قبول قرار می‌گیرند.
- لذت‌جویی و خوش‌پرستی؛ لحظه‌ای و برای مدت زمان کوتاه بدون آینده‌نگری واقع می‌شود.
- آزادی و تنوع در کج رفتاری^۳؛ شامل دزدی، وحشی‌گری، خشونت، ایجاد وحشت و انواع فعالیت‌های دیگر می‌شود.
- استقلال و انسجام گروهی^۴؛ وفاداری به گروه از اهمیت خاصی برخوردار است و در مقابل هر رفتار دیگری برتری دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۲-۱۰۳).

نظریه‌ی کنترل اجتماعی

دیدگاه کنترل اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت به‌هنجار بودن یا نابه‌هنجار بودن هستند. نکته‌ی اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد، رفتار به‌هنجار یا ناهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر

^۱- non - utilitarianism

^۲- negativism

^۳- versatility

^۴- autonomy

جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. موضوع مورد نظر این نظریه این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹). «کنترل اجتماعی» به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. به مفهومی دیگر، کنترل اجتماعی به عواملی محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کج روی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

تراویس هیرشی از مهم‌ترین پایه‌گذاران نظریه‌ی کنترل اجتماعی است. به عقیده‌ی هیرشی، بزه‌کاری به‌عنوان مسأله‌ی اجتماعی باید به همان‌گونه که در اجتماع رخ می‌دهد، یعنی در عرصه‌ی خانواده، مدرسه، همالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود. او معتقد است بزه‌کاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به‌طور کلی از میان برود. او فرد بزه‌کار را شخصی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است. در واقع به نظر وی بزه وقتی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قید و بندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا اصلاً بی‌اعتنا باشد (مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰).

هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود:

۱- وابستگی: از مانند هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است و آنچه اهمیت می‌یابد رابطه‌ی اجتماعی فرد است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲). پایه‌ی نظم هنجاری و عمل به هنجارهای اجتماعی جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از مشخصه‌های اصل هم‌بستگی اجتماعی هستند، همگی ریشه در وابستگی عاطفی دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵) با داشتن این احساس افراد وابسته و

¹ - attachment

محدود می‌شوند و کم‌تر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

۲- تعهد^۱: اشاره دارد به میزان مخاطره‌ای که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماعی قایل است. بدین معنی که هرچه فرد بیش‌تر به قیود اجتماعی متعهد باشد، از قبول این مخاطرات بیش‌تر پرهیز می‌کند. بدین‌سان فردی که به فعالیت‌های زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به‌دست آورده، کج رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد. بیش‌تر افراد می‌خواهند شهرت خوب و آینده‌ی خوب داشته باشند و برای این منظور شیوه زندگی متعارف را دنبال می‌کنند؛ شیوه‌ی زندگی که در چارچوب آن فرد به‌هنجارهای اجتماعی متعهد می‌شود. از دیدگاه نظریه‌ی نظارت اجتماعی (کنترل اجتماعی) عمل‌کننده، هزینه‌ها و منافع ناشی از هر عمل خود را می‌سنجد و بر آن اساس انتخاب می‌کند. پس افراد متعهد که دارای موقعیت مستحکمی در جامعه هستند، حتی‌الامکان از هنجارشکنی دوری می‌جویند. به نظر هیرشی، در مقابل کسی کج رفتاری می‌کند، که چیزی ندارد که از دست بدهد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲).

درگیری^۲

درگیری میزان مشغولیت فرد در فعالیت‌های مختلف است که باعث می‌شود فرصتی برای انجام کار خلاف نداشته باشد (رسته مقدم، ۱۳۸۵: ۵۷). بیش‌تر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بی‌کار و بیهوده، وقت بیش‌تری برای هنجارشکنی دارند، در حالی که کسی که کار می‌کند و خانواده‌ای تشکیل داده و می‌کوشد در حرفه‌ی خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارد. به همین دلیل، بیش‌تر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش سال‌های

^۱ - commitment:

^۲ - Involvement

تحصیلی، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کج رفتاری در میان نوجوانان می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

اعتقاد^۱: اشاره دارد به میزان اعتباری که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است. در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند. بنابراین، هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، احتمال هنجارشکنی بیش‌تر است. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه‌ی اخلاقی برای هم‌نوابی و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲). صاحب نظران نظریه‌ی کنترل اجتماعی، خانواده و سپس مدرسه را بیش از همه عامل نظارت به شمار می‌آورند و معتقدند که در فرایند اجتماعی کردن جوانان، خانواده و هم‌سالان اهمیت خاصی دارند. به تدریج که جوانان مستقل می‌شوند، از تأثیر گروه هم‌سالان و خانواده کاسته می‌شود و ویژگی‌های درونی اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند (سناوت، ۱۳۸۱: ۶۱).

نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خود می‌گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های قوی و متقابل وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا هر گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهند بود که اعضای آن با هم وابستگی محکمی نداشته باشند. برای مثال او بر آن است که هر چه هم‌بستگی میان جوانان، والدین، بزرگ‌سالان و هم‌سالان بیش‌تر باشد، جوانان بیش‌تر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هر چه بیش‌تر اعتقادات و جهان‌بینی‌های مرسوم جامعه را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کم‌تر ممکن است کج رو و مجرم شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۰۴).

^۱ - Belif

فرضیات تحقیق

- براساس چارچوب نظری و در زمینه‌ی دستیابی به اهداف پژوهش فرضیات زیر تدوین و درستی آن‌ها بررسی شد:
- میانگین گرایش به وندالیسم برحسب جنسیت متفاوت است.
 - میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی، در دو بعد عینی و ذهنی و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
 - میان موفقیت تحصیلی و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
 - میان متغیرهای درون فردی، شامل احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشن‌داری و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
 - میان پیوند اجتماعی، خانواده، مدرسه، دوستان و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه‌ی نظری این پژوهش بر اساس بررسی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و در ادامه با توجه به موضوع تحقیق و در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش، تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه‌ی خودساخته انجام گرفته است. تحقیق پیمایشی که یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی رایج به شمار می‌رود، عبارت است از: اجرای پرسش‌نامه‌ها روی نمونه‌ای از پاسخ‌دهندگان که از میان جمعیتی انتخاب می‌شوند (بسی، ۱۳۸۶: ۵۷۴). جامعه‌ی آماری در این تحقیق، کلیه‌ی دانش آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه در سطح منطقه‌ی کوت عبدالله شهرستان اهواز است. برابر اعلام اداره‌ی آموزش و پرورش ناحیه‌ی ۳ شهراهواز، تعداد دانش آموزان این منطقه برابر با ۴۳۱۹ نفر بوده که نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۸۵ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۰). برای اعتباریابی ابزار پرسش‌نامه از اعتبار صوری (روایی) و برای پایایی آن از آلفای کرونباخ

استفاده شده است. آلفای به‌دست آمده برای متغیرها در جدول شماره‌ی یک مشاهده می‌شود. داده‌های آماری استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند.

جدول شماره‌ی یک: مقدار آلفای متغیرهای فاصله‌ای تحقیق

مقدار آلفا	نام متغیر
۰/۹۰	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۰/۸۹	خویشن‌داری
۰/۸۵	احساس تبعیض
۰/۸۳	احساس محرومیت نسبی
۰/۹۲	عزت نفس
۰/۹۳	پیوند اجتماعی
۰/۸۷	تفاهم میان اعضای خانواده
۰/۸۷	وندالیسم

انتخاب و عملیاتی کردن متغیرها

جنسیت: متغیری جمعیت‌شناختی است که به عنوان یکی از متغیرهای مستقل به کار گرفته شد.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: تئوری کلووارد و اوهلین نیز در این میان می‌تواند این متغیر را در برگیرند؛ از آن جایی که این دو محقق، بر فراوانی فرصت‌های نابرابر در جامعه اشاره می‌کنند، می‌توان گفت، که در هر جامعه ای پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد در مناسبات روزمره و یا سایر مناسبات تأثیرگذار است از آن جایی که افرادی که دارای موقعیت بالاتری هستند، دارای امکانات بیش‌تری در مناسبات زندگی خود می‌شوند، این امر می‌تواند، گونه‌ای احساس نابرابری را همان‌گونه که کلووارد و اوهلین به آن اشاره کرده‌اند، به وجود آورد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳ و احمدی: ۱۳۸۴). شاخص‌هایی عینی که در عملیاتی کردن این متغیر در نظر گرفته شده شامل محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین و میزان درآمد خانواده است. برای عملیاتی کردن متغیر شاخص‌های ذهنی (سنجش پنداشت ذهنی فرد از پایگاه - اجتماعی خود) در این متغیر^۱ نیز از گویه‌هایی نظیر نگرش مردم به شغل و تحصیلات پدر، تعداد افراد خانوار،

وضعیت و توان خرید منزل مسکونی، کفایت هزینه‌ی زندگی، نظر شخص درباره‌ی طبقه‌ی اجتماعی و میزان مرفه بودن منزل مسکونی خود استفاده شد.

موفقیت تحصیلی: این متغیر را می‌توان برگرفته از ناکامی منزلتی کوهن دانست. این تبیین در شرایطی واقعی تر به نظر می‌رسد، که افراد برای عضو شدن در خرده فرهنگ بزه‌کار و در نتیجه بالا بردن موقعیت و مقام منزلت خود از درس خواندن جدی (فرار از مسخره شدن در میان دوستان بزه‌کار خود) خودداری می‌کنند (شکرریزی، ۱۳۷۶). ضمن این که، اگر سیستم نظام آموزش و پرورش در نمره دادن به دانش آموز را نظامی عادلانه ارزیابی نکنیم، به تئوری کلووارد و اوهلین نیز می‌توان اشاره کرد. جایی که فرد برای گریز از فرصت‌های نابرابری که جامعه برای افراد گوناگون برای رسیدن به موفقیت خلق کرده است، دست به بزه‌کاری و یا اعمال وندالیستی می‌زند. شاخص این متغیر برای عملیاتی کردن، معدل تحصیلی فرد در سال گذشته در نظر گرفته شده است.

متغیرهای درون فردی: از میان متغیرهای زمینه‌ای شخصیتی که می‌تواند بر رفتار وندالیستی مؤثر باشد چهار متغیر شامل احساس محرومیت نسبی، احساس عزت نفس و خویشتن داری، انتخاب شد.

احساس محرومیت نسبی: این متغیر نیز از تئوری آنومی مرتن قابل استخراج است؛ مرتن موضوع محرومیت نسبی را مطرح می‌کند که به مقایسه‌ی آن چه موقعیت اجتماعی فرد را به ارتباطات وی با دیگران که در برخی از جنبه‌ها مشابه او هستند مرتبط می‌کند بر می‌گردد. متغیر فوق از نظریه منزلتی کوهن و همین طور فرصت‌های نابرابر کلووارد و اوهلین نیز قابل استخراج است. زیرا زمانی که فرصت‌ها در جامعه‌ی نابرابر باشد و راه‌های دستیابی به موفقیت برای بسیاری از افراد مسدود باشد، ناچار به گزینه‌های غیر قانونی توسل می‌جوید و به انحراف و بزه‌کاری روی می‌آورند.

عزت نفس: این متغیر، متغیری روانشناختی است و از نظریه‌ی کنترل قابل استخراج است. نظریه‌ی کنترل، رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را

نتیجه‌ی کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی می‌داند. بنابراین بزه‌کاری و جرم می‌تواند محصول عوامل فردی کنترل، مانند خود پنداره منفی، ناکامی، روان پریشی و اعتماد به نفس پایین باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۶).

خویشتن‌داری: این متغیر از گات فردسون و هیرشی استخراج شده است. از نظر گات فردسون و هیرشی تمایل به ارتکاب جرم بستگی به سطح «خویشتن‌داری» دارد. مفهوم اصلی این دیدگاه «خویشتن‌داری پایین» است. آن‌ها متعتقدند که جرم سبب ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضای سریع است و اهداف کوتاه مدتی در زندگی دارد، از این دیدگاه علل اساسی خویشتن‌داری ضعیف در اعمال تربیت نامناسب و ناشایسته‌ی کودکان است. خویشتن‌داری ضعیف در مراحل اولیه‌ی کودکی بسط یافته و در سراسر دوران نوجوانی ثابت باقی می‌ماند (ترنر، ۲۰۰۲: ۱۱۴). والدینی که در کنترل و مراقبت از رفتار بچه‌ها ناتوانند یا مخالف کنترل رفتارهای بچه‌ها هستند، با تشخیص رفتار انحرافی در بچه او را مجازات می‌کنند و این مجازات موجب می‌شود بچه خویشتن‌داری اش را از دست بدهد (لانگ‌شور^۱، ۱۹۹۸: ۱۱۴).

احساس تبعیض: فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف و بزه‌کار و کج رو، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی، فرهنگ جامعه را می‌پذیرد، ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده‌ی اجتماعی دچار محرومیت می‌شود، از این‌رو آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه پاره‌فرهنگ بزه‌کار به وجود می‌آید. بدین‌وسیله افراد می‌کوشند تا بر مشکلات خود فائق آیند (کوهن، ۱۹۶۶: ۲۶ به نقل از محسنی تبریزی).

^۱ - Longshore

برای سنجش متغیرهای درون فردی (احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشن‌داری) نیز به تفکیک گویه‌هایی طرح و موافقت فرد در غالب طیف لیکرت درباره‌ی جملات مطرح شده پرسیده شد.

پیوند اجتماعی (خانواده، مدرسه، دوستان): این متغیر نیز از نظریه‌ی کنترل اجتماعی گات فردسون و هیرشی استخراج شده است؛ زیرا از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. در این جا آن چه اهمیت دارد رابطه‌ی اجتماعی فرد است. با داشتن احساس وابستگی، افراد وابسته و محدود می‌شوند و کم‌تر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. ویلیام گود با کمک‌گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸) از این رو در بررسی پیوند اجتماعی، تفاهم خانواده و رابطه‌ی آن با وندالیسم نیز بررسی شده است.

برای سنجش این متغیر از پیوستاری که شامل گزینه‌ی طلاق، رجوع به دادگاه، بگومگو، قهر و پادرمیانی بزرگان فامیل و سازگاری استفاده شد و نیز موافقت فرد در قالب طیف لیکرت با گویه‌هایی شامل صمیمیت خانوادگی وی، خسته‌کننده بودن محیط خانه، مقررات خانه، رابطه‌ی صمیمی با اعضای خانواده، تمایل به بودن با خانواده یا دوستان و مشورت در خانواده پرسیده شد و درباره‌ی پیوند با دوستان نیز به همین منوال عمل شد.

متغیر وابسته (رفتار وندالیستی)^۲

هرگونه آسیب ارادی به اموال عمومی و خصوصی، اعم از این که آثار تمدن باشد یا نباشد به عنوان مثال، آسیب رساندن به درخت، را می‌توان اعمال وندالیستی دانست.

برای عملیاتی کردن متغیر وابسته (وندالیسم)، سه شیوه (صور موازی) اتخاذ شد. این سه شیوه به قرار زیر است:

۱- سنجش شدت نگرش افراد نسبت به اعمال وندالیستی؛

۲- شیوه مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)؛

۳- سنجش شدت کردار وندالیستی (خرابکارانه) افراد

در بخش نگرش سنجی، معرف‌هایی شامل میزان انتقاد فرد نسبت به تخریب اموال، فضاها و مکان‌های مختلف تدوین و در قالب طیف لیکرت درخصوص آن از دانش‌آموزان سؤال شد به‌طور مثال:

- نسبت به تخریب اموال مدرسه و صدمه زدن به آن‌ها مانند بخاری، آبسرد کن،

میز و ...

شدیداً انتقاد دارم انتقاد دارم نظری ندارم انتقادی ندارم اصلاً

انتقادی ندارم

در قسمت عملیاتی کردن وندالیسم به شیوه‌ی فراکنی، نیز در ذیل هریک از معرف‌های فوق که در زمینه‌ی سنجش شدت نگرش به کار گرفته شده بود، این سؤال مطرح شد که «از ۱۰ نفر از افرادی که با شما آشنایی دارند چند نفر آن‌ها با ارتکاب چنین عملی مخالفی ندارند»، سپس پیوستاری شامل نمرات صفر تا ده در ذیل هر سؤال قرار گرفته شد و پاسخ‌گو می‌بایست یکی از این اعداد را علامت می‌زد؛ در شیوه‌ی اخیر به نوعی شدت تمایل به رفتار وندالیستی سنجیده می‌شود.

در قسمت سنجش شدت کردار وندالیستی، یا به عبارتی سنجش تقریبی کردار، معرف‌های فوق به پاسخ‌گو ارائه، و با طرح سؤال «خود شما در یکی دو سال اخیر به چه میزان به ارتکاب اعمال زیر وسوسه شده‌اید؟»، از وی خواسته شد، تا میزان وسوسه‌شدن خود را به ارتکاب اعمال مذکور بیان کند. این سؤالات نیز در قالب انتخاب چهار گزینه‌ی هیچ‌گاه، یک بار، دوبار و بیش از دوبار به پاسخ‌گو عرضه شد.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۸۵ نفر پاسخ‌دهندگان، ۱۸۴ نفر پسر بوده‌اند که معادل ۴۷/۸ درصد از کل پاسخ‌دهندگان و ۲۰۱ نفر دختر که معادل ۵۲/۲ درصد از کل پاسخ‌دهندگان است.

دامنه‌ی سنی در گروه نمونه، میان ۱۴ تا ۱۹ سال است. بیش‌ترین فراوانی مربوط به سن ۱۶ سال است که حدود ۳۴ درصد از کل تعداد پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده و کم‌ترین تعداد در سن ۱۹ سال مشاهده می‌شود که تنها چهار نفر از پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شود. دانش‌آموزان پایه‌ی اول حدود ۵۰/۶ درصد و پایه‌ی سوم ۱۷/۷ درصد از کل پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. از ۳۸۵ نفر پاسخ‌دهندگان ۲۸۵ نفر ساکن شهر بوده‌اند که معادل ۷۴ درصد از کل پاسخ‌دهندگان است و ۱۰۰ نفر دختر که معادل ۲۶ درصد کل پاسخ‌دهندگان است. از ۳۸۴ نفر پاسخ‌دهندگان، ۳۳۴ نفر با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند که معادل ۸۷ درصد کل پاسخ‌دهندگان است و ۵۰ نفر با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند، که معادل ۱۳ درصد کل پاسخ‌دهندگان است. درخصوص بعد خانوار ۴۲/۶ درصد پاسخ‌دهندگان در خانواده‌ی ای با ۳-۶ نفر جمعیت، ۴۴/۹ درصد دارای بعد خانوار ۷ تا ۱۰ نفر و ۱۲/۵ درصد در خانواده‌های ۱۱ تا ۱۸ نفره هستند که نشان‌دهنده‌ی بالا بودن بعد خانواده در منطقه است. در نتایج توصیفی حاصله، میانگین شدت گرایش به رفتار وندالیستی در میان دختران ۲۵/۴ و در میان پسران ۲۷/۴ به دست آمد.

آزمون فرضیات

فرضیه‌ی اول: میانگین گرایش به وندالیسم برحسب جنسیت متفاوت است.

در فرضیه‌ی نخست پیش‌بینی شده که میان متغیر جنسیت و متغیرهای شدت وندالیسم رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. نتایج توصیفی و تحلیلی در جدول شماره‌ی دو آمده است.

جدول شماره‌ی دو: نتایج آزمون t مربوط به متغیر جنسیت و متغیرهای مربوط به رفتار وندالیستی

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
شدت گرایش به رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۲۵/۴۴	۱/۴۴	۰/۱۵
	مرد	۱۸۴	۲۷/۴۱		
شدت رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۱۸/۱۳	۰/۰۵۴	۰/۹۵
	مرد	۱۸۴	۱۸/۱۹		
فراکنی رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۴۵/۴۵	۱/۱۰۸	۰/۲۷
	مرد	۱۸۴	۴۷/۴۴		

نتایج نشان می‌دهد در خصوص تفاوت میان میانگین‌های شدت گرایش به رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران، قدر مطلق مقدار s به دست آمده $۱/۴۴$ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده، تفاوتی از لحاظ آماری میان دختران و پسران و گرایش به وندالیسم وجود ندارد.

هم‌چنین، نتایج مذکور در خصوص شدت رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران نشان می‌دهد قدر مطلق مقدار s به دست آمده $۰/۰۵۴$ است. با توجه به سطح معناداری تفاوت میان میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی دار نیست که در این مورد نیز تفاوتی میان دختران و پسران از لحاظ وندالیسم وجود ندارد.

هم‌چنین، درباره‌ی نتایج مربوط به تفاوت میان میانگین‌های مقیاس فرافکنی رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران قدر مطلق مقدار s به دست آمده $۰/۲۷$ است. با توجه به سطح معناداری تفاوت میان میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی دار نیست. یعنی میان دختران و پسران از لحاظ وندالیسم در این مورد نیز تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه‌ی دوم: میان متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و متغیر وندالیسم رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم به رابطه‌ی احتمالی میان متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و متغیر وندالیسم می‌پردازد. متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی در دو بعد عینی و ذهنی پردازش شده و متغیر وندالیسم نیز در سه مقیاس مبتنی بر گرایش، شدت عمل و فراکنی لحاظ شده است (جدول شماره‌ی سه).

جدول شماره‌ی سه: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیرهای پایگاه

اجتماعی - اقتصادی (ابعاد عینی و ذهنی) و وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی)	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۶۹۳	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۷۲۵	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	-۰/۵۹۴	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی)	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۶۸۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۶۶۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	-۰/۶۰۸	۰/۰۰۰

مقادیر ضرائب هم‌بستگی، برای رابطه‌ی میان متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی) و متغیر وندالیسم (گرایش به رفتار وندالیستی)، معادل ۰/۶۹۳- است، برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر شدت رفتار وندالیستی ۰/۷۲۵- و برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی) معادل ۰/۵۹۴- به دست آمد. رابطه‌ی متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی) با هر سه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیر وابسته در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارتی، هر چه فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی (بعد عینی) بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

هم‌چنین، در ادامه به رابطه‌ی احتمالی میان متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی) و متغیر وندالیسم پرداخته شد. مقادیر ضرائب هم‌بستگی، برای رابطه‌ی میان متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی) و متغیر وندالیسم (گرایش به رفتار وندالیستی)، معادل ۰/۶۸۸- است، برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر شدت رفتار

وندالیستی ۰/۶۶۶- و برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی) معادل ۰/۶۰۸- به دست آمد. در نتیجه رابطه‌ی متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی (بعدذهنی) با هر سه شیوه تعریف عملیاتی متغیر وابسته در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. به عبارتی، هر چه فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی (بعدذهنی) بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

فرضیه‌ی سوم: میان متغیر موفقیت تحصیلی و وندالیسم رابطه وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی چهار مشاهده می‌شود، مقدار ضریب هم‌بستگی برای متغیر موفقیت تحصیلی و شدت گرایش به رفتار وندالیستی، ۰/۳۱۴-، برای متغیر موفقیت تحصیلی و شدت رفتار وندالیستی، ۰/۳۵۵- و برای متغیر موفقیت تحصیلی و مقیاس مبتنی بر پرسش از دیگران یا فراکنی، ۰/۲۵۳- است و این ضرایب هم‌بستگی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس و معنی دار میان دو متغیر و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بدین معنی که هر چه فرد از موفقیت تحصیلی بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

جدول شماره‌ی چهار: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیر موفقیت تحصیلی و وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
موفقیت تحصیلی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۳۵۵	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	-۰/۲۵۳	۰/۰۰۰

فرضیه‌ی چهارم: میان متغیرهای درون فردی و وندالیسم رابطه وجود دارد.

برای سنجش رابطه‌ی احتمالی در این فرضیه، از میان متغیرهای هم‌بسته‌ی درون فردی چهار متغیر احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن‌داری انتخاب و رابطه آن‌ها با وندالیسم بررسی شد (جدول شماره‌ی پنج).

جدول شماره‌ی پنج: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیرهای درون فردی منتخب و وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معناداری
احساس محرومیت نسبی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰
احساس تبعیض	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰
عزت نفس	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۲۰۵	۰/۰۱
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	-۰/۱۹۶	۰/۰۱۴
خویشتر داری	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۲۲۷	۰/۰۰۵
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	۰/۲۶۲	۰/۰۰۱

در خصوص بررسی رابطه‌ی متغیر احساس محرومیت نسبی و وندالیسم همان‌گونه که در جدول شماره‌ی پنج مشاهده می‌شود، بیش‌ترین مقدار λ برای رابطه‌ی متغیر احساس محرومیت نسبی با متغیر وندالیسم درباره‌ی شدت رفتار وندالیستی است، که این ضریب معادل ۰/۳۸۱ است و کم‌ترین آن مربوط به مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فراکنی رفتار وندالیستی است، که ضریب آن معادل ۰/۳۷۲ به دست آمده است. رابطه‌ی متغیر احساس محرومیت نسبی نیز با هر سه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیر وندالیسم که همان گرایش، عمل و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فراکنی رفتار وندالیستی است، در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هرچه احساس محرومیت نسبی افراد بیش‌تر باشد گرایش آن‌ها به وندالیسم و رفتار وندالیستی افزایش می‌یابد.

در بررسی رابطه میان احساس تبعیض و وندالیسم نتایج بررسی نشان می‌دهد میان متغیر احساس تبعیض با هر سه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیر وابسته، رابطه‌ی

معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. ضریب هم‌بستگی برای احساس تبعیض و شدت گرایش به عمل‌ندالیستی ۰/۳۰۶ است. درباره‌ی رابطه‌ی آن با شدت رفتار‌ندالیستی، این ضریب، معادل ۰/۲۴۷ به دست آمد و مقدار r یا ضریب هم‌بستگی مربوط به رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار‌ندالیستی معادل ۰/۳۲۵ است. رابطه‌ی این متغیر با‌ندالیسم در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

درباره‌ی متغیر عزت نفس، مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیر عزت نفس و متغیر شدت گرایش به رفتار‌ندالیستی معادل ۰/۲۰۵- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیر با متغیر شدت رفتار‌ندالیستی، ۰/۳۹۹- است، و برای رابطه‌ی متغیر عزت نفس و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار‌ندالیستی، ۰/۱۹۶- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیر معکوس و معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه عزت نفس دانش‌آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار‌ندالیستی کاهش می‌یابد. در نهایت درخصوص متغیر خویشتن‌داری، مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیر خویشتن‌داری و متغیر شدت گرایش به رفتار‌ندالیستی معادل ۰/۲۲۷- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیر با متغیر شدت رفتار‌ندالیستی، ۰/۳۹۹- است، و برای رابطه‌ی متغیر خویشتن‌داری و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار‌ندالیستی، ۰/۲۶۲- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیر معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه خویشتن‌داری دانش‌آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار‌ندالیستی کاهش می‌یابد. در نتیجه رابطه‌ی هر چهار متغیر زمینه‌ای شخصیتی انتخاب شده، رابطه معناداری با گرایش به‌ندالیسم در دانش‌آموزان نشان می‌دهند.

فرضیه‌ی پنجم - میان متغیر پیوند اجتماعی و متغیر‌ندالیسم رابطه وجود دارد.

رابطه‌ی ذکر شده در فرضیه‌ی پنجم از طریق بررسی پیوند اجتماعی خانواده، مدرسه و دوستان (که هم‌بسته‌های برون فردی هستند) سنجیده شد که در بخش خانواده متغیر تفاهم اعضای خانواده به‌طور جداگانه با‌ندالیسم بررسی شد.

در جدول شماره‌ی شش مشاهده می‌شود که مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیر پیوند اجتماعی و متغیر شدت گرایش به رفتار وندالیستی معادل $0/294-$ است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیر با متغیر شدت رفتار وندالیستی، $0/366-$ است، و برای رابطه‌ی متغیر پیوند اجتماعی و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، $0/255-$ که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیر معکوس و در سطح $0/01$ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه پیوندهای اجتماعی افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

جدول شماره‌ی شش: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیر پیوند اجتماعی و وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
پیوند اجتماعی	مقیاس مبتنی بر گرایش	$0/294-$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر عمل	$0/366-$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)	$0/255-$	$0/001$
تفاهم میان اعضای خانواده	مقیاس مبتنی بر گرایش	$0/342-$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر عمل	$0/416-$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)	$0/191-$	$0/008$

درخصوص رابطه‌ی میان متغیر تفاهم میان اعضای خانواده و متغیر وندالیسم مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیر تفاهم میان اعضای خانواده و متغیر شدت گرایش به رفتار وندالیستی معادل $0/342-$ است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیر با متغیر شدت رفتار وندالیستی، $0/416-$ است، و برای رابطه‌ی متغیر تفاهم میان اعضای خانواده و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، $0/191-$ که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیر معکوس و در سطح $0/01$ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه تفاهم میان اعضای خانواده‌ی دانش آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی میزان گرایش به رفتار نندالیستی

برای ساختن معادله‌ی رگرسیونی پیش‌بینی میزان شدت گرایش به رفتار نندالیستی، متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، و دارای رابطه با متغیر وابسته بوده‌اند را به عنوان متغیر مستقل و میزان شدت گرایش به رفتار نندالیستی به عنوان متغیر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج به دست آمده در جدول شماره‌ی هفت بیان‌کننده‌ی آن است، که معادله پیش‌بینی میزان شدت گرایش به رفتار نندالیستی می‌تواند، $0/503$ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، که این مطلب را آن به ما نشان می‌دهد.

مقدار t یا هم‌بستگی میان مقادیری که با سیله معادله پیش‌بینی می‌شوند و مقادیر واقعی وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر $0/711$ درصد مقادیری که پیش‌بینی می‌شود، با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده مقادیر در سطح بالاتر از 99 درصد از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند. از آنجایی که مدل پژوهش، توانسته با استفاده از متغیرهای خود پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تفاهم میان اعضای خانواده، احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض، موفقیت تحصیلی، عزت نفس، پیوند اجتماعی، خویشتن‌داری، 50 درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، می‌توان گفت از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار است.

جدول شماره‌ی هفت: تجزیه واریانس رگرسیون چندمتغیره شدت گرایش به رفتار نندالیستی

منبع تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت f	سطح معنی‌داری f
اثر رگرسیون	۹	۲۲۴۰۵/۸۷	۲۸۰۰/۷۳۴		
باقی مانده	۳۵۰	۱۷۰۲۰/۶۴	۱۷۷/۲۹۸	۱۵/۸۵۴	۰/۰۰۰
کل	۳۵۹	۳۹۴۲۶/۵۱			

$$R = 0/711 \quad R^2 = 0/503$$

بحث و نتیجه گیری

از دیدگاه محققان مختلف، عوامل و شرایط گوناگونی مانند عوامل زیستی و ژنتیکی، ساختارهای اجتماعی و برون فردی و عوامل درون فردی و بی‌نظمی‌های روانی در بروز رفتار وندالیستی دانش آموزان مؤثر است که در این تحقیق رابطه‌ی جنسیت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، موفقیت تحصیلی، منتخب عوامل درون فردی (شامل احساس محرومیت نسبی، تبعیض، عزت نفس، خویشن‌داری)، و پیوند اجتماعی (خانه، مدرسه، دوستان) با بروز رفتارهای وندالیستی در دانش آموزان مقطع دبیرستان منطقه‌ی کوت عبدالله اهواز بررسی شد و تلاش شد تا تبیین همه‌جانبه و نسبتاً کاملی از این پدیده در منطقه‌ی مورد مطالعه ارائه شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد در منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی میان پسران و دختران به لحاظ گرایش نسبت به رفتار وندالیستی و هم چنین شدت اعمال وندالیستی تفاوت معنی داری وجود ندارد؛ یعنی جنسیت بر رفتار وندالیستی مؤثر نبوده است و این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های پیشین (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴ و قائمی فر، ۱۳۸۶) مطابقت ندارد.

در خصوص تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی، فرضیه‌ی عام یا مورد قبول بیش‌تر اندیشمندان در جهان نظیر نظریه ناکامی منزلتی کوهن است که طبقات اجتماعی- اقتصادی پایین، میزان بیش‌تری از رفتارهای غیر قانونی را نسبت به طبقات مازسوی و بالا مرتکب می‌شوند. این تحقیق نیز نشان داد که پایگاه، اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان رابطه‌ی معکوس و معنادار با وندالیسم دارد؛ به عبارت دیگر هر چه فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین‌تری برخوردار باشد گرایش به رفتار وندالیستی در او بیش‌تر است؛ بدین ترتیب نتایج پژوهش‌های پیشین تأیید می‌شود. درباره‌ی پایگاه اجتماعی- اقتصادی، کوهن معتقد است که افراد منحرف و بزه‌کار و کجرو، (طبقات پایین جامعه) آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی، فرهنگی جامعه را پذیرفته‌اند، اما به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دست‌یابی به اهداف مقبول و

پسندیده‌ی اجتماعی دچار محرومیت شده‌اند، از این رو آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به‌دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌کند (کوهن، ۱۹۹۶: ۲۶ به نقل از محسنی تبریزی).

در خصوص تأثیر موفقیت تحصیلی بر رفتار وندالیستی دانش آموزان، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی پیرسون میان متغیر موفقیت تحصیلی در مدرسه و متغیر وندالیسم معادل $0/314-$ است که این ضریب در سطح $0/01$ معنادار است. رابطه‌ی میان این متغیرها نیز معکوس است؛ بدین معنا که به میزانی که فرد پیشرفت تحصیلی کم‌تری داشته باشد گرایش وی نسبت به رفتار وندالیستی بیش‌تر است و بالعکس که این نتایج نیز با نظریه ناکامی منزلتی کوهن هم‌خوانی دارد.

درباره‌ی متغیرهای درون فردی چهار متغیر احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن داری انتخاب و رابطه‌ی آن‌ها با وندالیسم بررسی شد. نتایج نشان داد محرومیت نسبی با هر سه شیوه‌ی عملیاتی شده‌ی متغیر وابسته یعنی وندالیسم رابطه دارد. هم‌چنین ضریب هم‌بستگی پیرسون میان متغیر احساس تبعیض و متغیر وندالیسم معادل $0/306+$ است که این ضریب در سطح $0/01$ معنادار است. بر این اساس، به میزانی که فرد احساس تبعیض بیش‌تری می‌شود، گرایش به رفتار وندالیستی هم‌چنین، شدت رفتار وندالیستی نیز در آن بیش‌تر است. وقتی فرد احساس محرومیت می‌کند، احتمالاً به خشونت روی می‌آورد؛ چون احساس می‌کند، جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است (نظریه‌ی منزلتی کوهن و فرصت‌های نابرابر کلوارد و اوهلین). همان‌گونه که گفته شد، یافته‌های این تحقیق نشان داد، به میزانی که فرد احساس محرومیت بیش‌تری می‌کند گرایش به رفتار وندالیستی هم‌چنین، شدت رفتار وندالیستی نیز در آن بیش‌تر است.

بر اساس نظریه‌ی کنترل، جرم و بزه می‌تواند محصول عوامل فردی مانند اعتماد به نفس پایین باشد. در خصوص عزت نفس، ضریب هم‌بستگی این متغیر و شدت وندالیسم ($0/399-$) که در سطح $0/01$ معنی دار است منفی بودن این ضریب نشان از

رابطه‌ی معکوس این متغیر دارد. یعنی هر چه اعتماد به نفس در نوجوان پایین باشد؛ به عبارتی دیگر قدرت کنترل شخصی که ناشی از کنترل اجتماعی است در او پایین باشد، گرایش به انجام رفتار وندالیستی در او بیش تر است. ضریب هم‌بستگی خویشتن داری و شدت وندالیسم (۰/۳۹۹-) نیز در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. با افزایش در خویشتن داری دانش آموزان از گرایش به رفتار وندالیستی کاسته می‌شود و یا با کاهش در خویشتن داری، گرایش به رفتار وندالیستی افزایش می‌یابد. فردی که اعتماد به نفس پایینی دارد، معمولاً در زمینه‌ی هویت خود احساس خطر می‌کند، قدرت پذیرش خود را ندارد و به انکار خود می‌پردازد و از زندگی در خانواده، مدرسه و اجتماع احساس عدم موفقیت و شکست می‌کند و برای جبران مشکلات خود مرتکب رفتار بزه‌کارانه و مجرمانه می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۸).

پیوند اجتماعی (خانواده، مدرسه، دوستان) متغیر دیگری بود که رابطه‌ی آن با وندالیسم بررسی شد. ضریب هم‌بستگی این متغیر و شدت وندالیسم (۰/۳۶۶-) که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. با افزایش دل‌بستگی دانش آموزان به خانواده، مدرسه و دوستان از میزان رفتار وندالیستی آن‌ها کاسته می‌شود. متغیر تفاهم خانواده نیز میزان تفاهم، علاقه و صمیمیت نوجوان با خانواده را نشان می‌دهد در این تحقیق ضریب هم‌بستگی میان تفاهم میان خانواده و شدت وندالیسم ۰/۳۴۲- است که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است منفی بودن مقدار ضریب هم‌بستگی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس میان این دو متغیر است. یعنی هرچه میزان تفاهم نسبت به والدین کم‌تر باشد، گرایش به وندالیسم بیش تر است. به عبارتی اگر نوجوان نسبت به والدین احساس نزدیکی کند مشکلات خود را راحت تر با اعضای خانواده در میان می‌گذارد، نوعی اعتماد متقابل و حس مسؤولیت پذیری در نوجوان به وجود می‌آید. این نتیجه با نتایج تحقیقات شکرریزی (۱۳۷۶)، عفتی (۱۳۸۱)، احمدی و سهامی (۱۳۸۳) و مک کوری (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی، نظریه درگیری و نیز آنومی و ساختار خانواده نیز موید این نتایج هستند. هیرشی معتقد است بزه‌کاری در حالت تضعیف قیود

فرد یا بی‌اعتنایی کامل نسبت به جامعه رخ می‌دهد. ویلیام گود نیز در نظریه ساختار خانواده هرگونه نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند و هیرشی نیز معتقد است که هر چه هم‌بستگی میان جوانان، والدین، بزرگ‌سالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیش‌تر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و در نتیجه کم‌تر ممکن است کج رو و مجرم شوند.

در پایان با توجه به نتایج تحقیق به منظور کاهش رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اقداماتی مانند جریمه و بازخواست فوری خود وندال، بازسازی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی دانش‌آموزان، توجه بیشتر به خواسته‌ها و نیازمندی‌های معقول نوجوانان و جوانان از طرف خانواده و مسئولین مدرسه، توجه هرچه بیشتر مسئولین مدرسه به انتقادات، شکایات و نظرهای دانش‌آموزان، ایجاد جو عاطفی مناسب برای فرزندان از سوی والدین و توجه به امر آموزش و تبلیغ پیرامون موضوع وندالیسم پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین درباره‌ی کاهش زمینه‌های اجتماعی نابرابری و بروز وندالیسم لازم است اهتمام و برنامه‌ریزی مدیریت شهری در جهت ایجاد و گسترش امکانات فرهنگی آموزشی تفریحی در محلات فقیرنشین، سعی در رفع نیازها و توزیع عادلانه امکانات، محرومیت‌زدایی مناطق فقیرنشین و توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین این مناطق تمرکز یابد.

یادداشت‌ها

- ۱- عملیاتی کردن متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به شیوه‌ی ذهنی به اهتمام دکتر نبوی صورت پذیرفته است. مشروح این مقیاس در منبع (فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی دانش علوم انتظامی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷) به چاپ رسیده است.
- ۲- سه شیوه‌ی عملیاتی نمودن متغیر وابسته (وندالیسم) به اهتمام دکتر نبوی، صورت گرفته است.

منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴) نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات زر.
۲. بی‌بی، ارل (۱۳۸۶) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه‌ی رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۳. بیرو، آلن (۱۳۶۷) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۴. ترنر، جانانان اچ (۱۳۷۸) مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محمد عزیز بختیاری و محمد فولادی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.
۷. دانشگاه شهید چمران اهواز (۱۳۸۵) طرح مطالعات اسکان غیررسمی و توانمندسازی محلات شهر اهواز، کارفرما: سازمان مسکن و شهرسازی خوزستان.
۸. دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر (۱۳۸۹) آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری، تهران: جامعه‌شناسان.
۹. رسته مقدم، آرش (۱۳۸۵) «عامل بزه‌کاری نوجوانی از رویکرد سیستمی»، فصل‌نامه علمی-آموزشی اداره کل مشاوره و مددکاری ناجا، شماره‌ی ۱۹-۱۸.
۱۰. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷) آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۹) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
۱۲. سخاوت، جعفر (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور.
۱۳. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی کجروی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
۱۴. سهامی، سوسن و احمدی، حبیب (۱۳۸۳) «بزه‌کاری و خرابکاری»، فصلنامه‌ی تازه‌های روان‌درمانی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷ و ۱۸.

۱۵. شکرریزی، زهرا (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای وندالیستی در دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۷۵. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۶. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی و مددکاری اجتماعی، تهران: نشر حریر.
۱۷. عفتی، محمد (۱۳۸۱) بررسی علل و انگیزه‌های سنگ پرانی به قطارهای مسافری در تهران، طرح پژوهشی، کارفرما: راه آهن جمهوری اسلامی، شرکت قطارهای مسافری رجاء.
۱۸. فتحی، سروش و حامد محمدی (۱۳۹۰) «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان»، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.
۱۹. قائمی فر، حسین (۱۳۸۶) بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه‌ی شهری جهرم»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۰. کوئن، بروس (۱۳۷۳) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
۲۱. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
۲۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
۲۴. محمدی بلبان آباد، اسعد (۱۳۸۴) سنجش میزان وندالیسم و عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در میان دانش آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۲۵. مشکانی، محمدرضا و زهرا مشکانی (۱۳۸۱) «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزه‌کاری»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی تهران جلد (۳)، تهران: آگه.
۲۶. معیدفر، سعید (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، تهران: نور علم.
۲۷. ملک، حسن (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.

۲۸. ممتاز، فریده (۱۳۸۱) **انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۹. نوربها، رضا (۱۳۸۴) **زمینه‌ی حقوق جزای عمومی**، تهران: دادآفرین.

۳۰. هرشفیلد، پال (۱۳۸۴) **تأثیر فقر شهری بر بزهکاری جوانان و نوجوانان**، ترجمه‌ی وحید رضایی، پایگاه اطلاع‌رسانی معماری و شهرسازی.

31. Gillis, Tammy(2004) **Violence, vandalism, and theft among Alberta youth: A reconceptualization of the general the theory of crime**, dissertation PHD. The University of Lethbridge, Alberta, Canada.
32. Haskell, M. R. & Yablonsky, L(1974) **Juvenile Delikqency**, Rand McNally College publishes company, UK.
33. Longshore, Douglas(1998) "Self control and criminal opportunity: A prospective test of the General theory of Crime", **Social Problems**, Vol 45, No 1.
34. Mc. Corry, Timothy(2005) **Parental Control, gender and delinquency in Patriarchal and non-Patriarehal household, a qualitative assessments**, Ph. D dissertation, State university of Newyorkat Buffalo.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.